

## نگاهی به آموزه‌های زیارت اربعین

سید رضا طاهری، اشارات، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۸

یکی از سفارش‌های اهل بیت علیهم السلام به شیعیان خود، انجام زیارت اربعین سید الشهداء علیه السلام است. این سفارش در راستای پاسداشت قیام عاشورا تنظیم شده است و یکی از عوامل مانایی نام و یاد اباعبدالله الحسین علیه السلام و حفظ پیام‌های عاشورا به شمار می‌آید.

اهمیت زیارت اربعین به گونه ای است که در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام، از زیارت اربعین به عنوان یکی از نشانه‌های مؤمن یاد شده است. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «نشانه‌های مؤمن پنج تاست: ۱. نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله) در طول شبانه روز. ۲. انگشتر در دست راست نمودن. ۳. زیارت اربعین امام حسین علیه السلام. ۴. پیشانی بر خاک گذاردن. ۵. بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نمازهای چهارگانه (صبح، مغرب و عشا)». (۱)

یکی از مستحبات زیارت اربعین، خواندن دعای اربعین است. این دعا که مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله آن را در کتاب مفاتیح الجنان خود آورده است، آموزه‌های ارزشمندی دارد. محور این دعا بر اساس ویژگی‌های امام حسین علیه السلام و بیان مجاهدت‌های آن حضرت است. آشنایی با این دعا تأثیر فراوانی در افزایش شناخت نسبت به سیدالشهدا علیه السلام خواهد داشت. در این نوشتار، به فرازهایی از این دعای شریف می‌پردازیم.

۱. کلیات

### الف) زیارت اربعین، یکی از شعائر شیعه

«شعائر» جمع «شعار» است و «شعار» یعنی نشان و علامت. نشانه گروهی از مردم که به وسیله آن یک دیگر را می‌شناسند. نشان و علامت سلطان یا امیر یا خرقه ای چون علم سیاه یا سفید، یا کلمه‌ها که طریقه و آیین او را نمودار می‌سازد.

عرب‌های زمان جاهلیت در میدان کارزار شعارهایی می‌دادند که مناسب با اوضاع روز بود. مثلاً در جنگ احد، سپاهیان مخالف اسلام به نام دو بت خود «عُزَی» و «هُبَل» فریاد می‌زدند و قبیله تنوخ در حیره «یا آلَ عباد الله» می‌گفتند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، شعار مهاجرین را «یا بنی عبدالله» و شعار اوس و خزرج را نیز «یا بنی عبدالله» و «یا بنی عبیدالله» قرار داد و سپاهیان اسلام را «خلیل الله» می خواندند. بعدها نیز به مقتضیات روز شعارهایی ساخته می شد و به کار می رفت. (۲)

یکی از شعائر مختص شیعه که در هیچ مکتب و ملتی، نظیر و مشابهی برای آن نمی توان یافت، مسئله اربعین حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است که از ویژگی های فرهنگ تشیع است. زیارت مخصوص آن حضرت در روز اربعین، شعار مخصوص شیعه است و این مسئله برای هیچ فردی از دیگر معصومین علیهم السلام حتی برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود ندارد. زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین و اقامه مجلس عزا برای آن حضرت، فقط به ایشان اختصاص دارد.

از این مسئله می توان به عمق فاجعه عاشورا و اهتمام اهل بیت علیهم السلام به زنده نگه داشتن پیام عاشورا پی برد و اینکه آن بزرگواران با توصیه و تشویق درباره زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، همواره درصدد تازه نگه داشتن حادثه خونین عاشورا بودند. (۳)

## ۲. گریه چهل روزه آسمان و زمین بر امام حسین علیه السلام

می توان گفت بزرگداشت اربعین امام حسین علیه السلام ارتباط تنگاتنگی با گرامی داشت گریه چهل روزه آسمان و زمین، پس از شهادت سیدالشهدا علیه السلام و برای آن حضرت دارد. چنان که در برخی از روایات آمده است که آسمان و زمین تا چهل روز بر سیدالشهدا علیه السلام خون گریست. از امام صادق علیه السلام در این باره نقل شده است که فرمود:

ای زراره! بدان که آسمان به مدت چهل روز بر حسین علیه السلام خون گریست و زمین به مدت چهل روز تیره و تار گشت و خورشید به مدت چهل روز با کسوف و حالت خون رنگ به اندوه و ماتم نشست و دریاها به تلاطم درآمد و ملائکه تا چهل روز بر حسین علیه السلام گریستند و هیچ زنی از ما خضاب نمود و روغن و سرمه استفاده ننمود تا زمانی که سر عبیدالله بن زیاد را برای ما فرستادند. (۴)

عبدالله بن هلال می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آسمان در شهادت جان گداز امام حسین علیه السلام و حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام به سوگ و ماتم نشست و گریست و بر کس دیگری جز آن دو گریه نکرده است.

پرسیدم: گریه آسمان چه بود؟ فرمود: به مدت چهل روز، هنگام طلوع و غروب، سرخی مخصوصی در آسمان ظاهر می شد. عرض کردم: این گریه آسمان بود؟ فرمود: آری. (۵)

همچنین شخصی به نام عبدالخالق عبدربه نقل می کند که از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه که می فرماید: «یا زکریا إنا نبشرك بِعَلْمٍ اسْمُهُ یحیی لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا؛ ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش «یحیی» است و پیش از این هم نامی برای او قرار ندادیم». (۶) شنیدم که فرمود: حسین بن علی علیه السلام پیش از خودش هم نامی نداشت. چنان که حضرت یحیی علیه السلام نیز پیش از این هم نامی نداشت. و آسمان در سوگ آن دو به مدت چهل روز گریست، و بر کس دیگری جز آن دو گریه نکرد. راوی می گوید: پرسیدم گریه آسمان چه بود؟ فرمود: هنگام طلوع و غروب، سرخی مخصوصی در آسمان ظاهر می شد. (۷)

## ۱. آغاز زیارت با سلام

معمولاً زیارت نامه‌های اهل بیت علیهم السلام با سلام بر آنها آغاز می شود. چنان که زیارت اربعین نیز این گونه است. این زیارت با این عبارت شروع می شود:

«السَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ؛ السَّلَامُ عَلٰی خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيْبِهِ...؛ سلام بر ولی خدا و دوست او؛ سلام بر محبوب خدا و برگزیده او...».

«سلام به معنای سلامت است و «السلام علیکم»، یعنی سلامت از جانب خدا بر شما باد. سلام کردن، ساده‌ترین، آسان‌ترین و ارزشمندترین وسیله برای ابراز ارادت، تکریم و تعظیم مخاطب و تحکیم پیوندهای اجتماعی است. سلام، نوعی تحیت و درود است و اصل «تحیت» به معنای طلب حیات برای مخاطب است، خواه حیات ظاهری باشد یا حیات باطنی، مادی باشد یا معنوی. سلام بر امام حسین علیه السلام به معنای باور داشتن به حیات معنوی آن حضرت و شنیدن سلام ما از سوی ایشان است، چنان که در مفاتیح الجنان در فصل آداب زیارت، در قسمت اذن دخول حرم های شریف می خوانیم: «خدایا من در غیبت صاحب این مزار و حرم شریف - مانند حیات مبارک او - معتقد به احترامش هستم. خدایا، من می دانم رسول تو صلی الله علیه و آله و خلفای تو علیهم السلام زنده اند و پیش تو روزی می خورند، مرا می بینند، کلام مرا می شنوند و سلامم را جواب می دهند، ولی تو کلام آنها را از گوش من پوشاندی.»... از آنجا که همه انسان ها اعم از معصوم و غیرمعصوم، به لحاظ قوس صعود در حال حرکت به سوی کمال مطلق هستند و این کمال جویی و ترفیع درجه، در بهشت نیز ظهور دارد، سلام های ما به معصومین علیهم السلام، مایه ترفیع درجات آنها می شود؛ چون سبب می شود سلامت ویژه ای از ناحیه ذات پاک خداوند به آنان افزوده شود. افزون بر این، سلام برای خود سلام کننده نیز اجر، منزلت و رفعت درجه خواهد داشت. (۸)

## ۲. اکرام خداوند و شهادت امام حسین علیه السلام

موضوع «شهادت» یکی از محورهای یاد شده در زیارت اربعین است. در این محور از «شهادت» به عنوان نشانه گرامی داشت و اکرام خداوند به امام حسین علیه السلام یاد شده است. چنان که در این باره می خوانیم: «أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ؛ او را به واسطه شهادت، گرامی داشتی.»

صائب تبریزی می گوید:

گردن مکش ز تیغ شهادت که این زلال

از جویبار ساقی کوثر گذشته است (۹)

شهادت، از اسراری است که نامحرمان را بدان راهی نیست و از مقام هایی است که تنها «برگزیدگان» بدان دست می یابند. شهادت، حیاتی است روحی که مردگان قادر به ادراک آن نیستند و نوری است قدسی که شب پره ها را به وصل آن، راهی نیست. شهادت،

حقیقتی است که در دل خود، «ایثار»، «ستم ستیزی»، «کمال طلبی»، «اعتراض به تجاوز و زیاده خواهی» و «عدم تسلیم در برابر زور» را نهفته دارد. شهادت، «فریادی رسا» در کویر سوزان جهان مادی است که هیچ گاه خاموش نمی شود و چشمه جوشانی در دل تیرگی ها و تباهی هاست که هیچ گاه از جوشش نمی ایستد. شهید مطهری بر این باور است که «پشت سر هر شهادتی یک روشنایی پیدا می شود. این سخن، سخن بسیار درستی است و ارزش شهید و شهدا را ثابت می کند. از نظر اجتماعی، مثل شهید و شهادت که روشنی ایجاد می کند، مثل یک سلسله کارهای خیر فردی است که در قلب فرد، ایجاد روشنی می کند. نظیر ایثار، انصاف دادن، مبارزه با هوای نفس، در حقیقت شهادت برای اجتماع، نوعی تصفیه نفس است برای اجتماع». (۱۰)

### ۳. امام حسین علیه السلام و پاکی نسل

یکی از موضوع های مطرح شده در زیارت اربعین، پاکی نسلی است که آن حضرت از آن به دنیا آمد. در این باره در این زیارت چنین می خوانیم: «وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ؛ و او را به پاکی نسل، برگزیدی»

در حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره می خوانیم: «خداوند ما را علّیین آفرید و ارواح ما را از بالای آن آفرید و ارواح شیعیان ما را از علّیین آفریده و پیکر آنها را از پایین علّیین آفرید و از این جهت میان ما و آنان خویشی و نزدیکی است و دل های آنها به سوی ما مشتاق است». (۱۱)

آن حضرت در حدیثی دیگر در این باره می فرماید: «همانا که خداوند ما را از نور عظمت خود آفرید و سپس آفرینش ما را از گلی نهفته در زیر عرش قرار داد و آن نور را در کالبد ما نهاد و ما خلق شدیم. « (۱۲) بر اساس روایات یاد شده، امامان معصوم علیهم السلام از جنس علّیین هستند و از نورانیت ویژه ای برخوردارند. در نتیجه، از نسلی پاک بودند و هر فرزندی که از آنها به دنیا می آید، دارای طهارت نسل است. درباره پاکی ولادت و نسل امام حسین علیه السلام در فراز دیگری از دعای اربعین چنین می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نَوْرًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا؛ گواهی می دهم که تو نوری بودی در اصلاّب پدران عالی رتبه و ارحام مادران پاک طینت، که پلیدی های جاهلیت، دامن تو را فرا نگرفت و جامه های تیره عصر جاهلیت، تو را نپوشانید.»

### ۴. حسین علیه السلام وارث پیامبران

یکی از ویژگی هایی که از سیدالشهدا در زیارت اربعین یاد شده، این است که حسین علیه السلام، وارث پیامبران است. «وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ؛ [خدایا] تو میراث همه پیامبران را به او اعطا کردی.»

امام رضا علیه السلام فرمود: «به راستی که محمد صلی الله علیه و آله، امین خدا بود در خلقتش و چون وفات کرد، ما اهل بیت علیهم السلام وارثانش بودیم و ما امنای خدا در زمین هستیم... و به راستی که ما هر مردی را ببینیم، می شناسیم که از روی حقیقت، مؤمن است یا منافق. ما نجیب و ناجی هستیم و ما بازماندگان پیغمبرانیم و ما صاحبان امتیاز در کتاب خدای عزوجل هستیم. ما از همه مردم به رسول خدا نزدیک تریم. خدا به ما آموخته و رسانیده، آنچه را باید بدانیم و ما به علم پیامبران را سپرده و ما وارثان رسول اولوالعزم هستیم. (۱۳)

در دعای وارث نیز از امام حسین علیه السلام این گونه به عنوان وارث پیامبران یاد شده است: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَارِثَ نُوحِ نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَارِثَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَارِثَ مُوسَى کَلِیْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَارِثَ عِیْسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیْبِ اللَّهِ؛ سلام بر تو ای وارث آدم، برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح، پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم، دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی، هم سخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح الله، سلام بر تو ای وارث محمد، محبوب خدا.»

بدیهی است، منظور از ارث بردن امام حسین علیه السلام از پیامبران، بهره داشتن آن حضرت از همه ویژگی های زیبایی است که در پیامبران دیگر، بازتاب یافته است. به عبارت دیگر، سیدالشهدا، همه ویژگی هایی را که در پیامبران دیگر وجود داشت، یک جا در خود جمع کرد. چنان که شاعر به زیبایی در این باره سروده است:

حُسنِ یوسف، دَمِ عیسی، یدِ بیضا داری

آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری

#### ۵. حسین علیه السلام حجت خدا بر روی زمین

خداوند، همواره بر روی زمین، حجت هایی دارد تا به واسطه آنها، خوبان به کمالی که شایسته آنهاست دست یابند و بدان، در صورتی که از روی عمد و اختیار، به راه تباهی رفتند، عذری نداشته باشند و حجت بر آنها تمام شده باشد. یکی از این حجت های بزرگ الهی بر روی زمین، امام حسین علیه السلام است. در زیارت اربعین در این باره چنین می خوانیم: «وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَی خَلْقِكَ فَأَعَدَّرَ فِی الدُّعَاءِ؛ و او را حجت بر آفریدگانت قرار دادی، پس او هم در اتمام حجت بر خلق، رفع هر عذری از امت نمود.»

حضرت علی علیه السلام فرمود: «همانا که خداوند تبارک و تعالی ما را پاک کرد و مقام عصمت بخشیده و ما را گواهان خلقش ساخته و حجت او در زمینش ما را قرار داده است.» (۱۴)

شخصی به نام بُرَیدِ عِجَلِی می گوید از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه که می فرماید: «وُ کَذَلِکَ جَعَلْنَاکُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ؛ و این چنین شما را امت وسط قرار دادیم تا بر مردم، گواه باشید.» (۱۵) پرسیدم. فرمود: منظور از امت وسط و گواهان بر خلق، ما هستیم و ماییم حجت های خداوند بر روی زمینش. (۱۶)

#### ۶. حسین علیه السلام و رهانیدن آدم ها از نادانی و گمراهی

یکی از ویژگی هایی که در زیارت اربعین برای امام حسین علیه السلام نقل شده، «رهانیدن آدم ها از نادانی و گمراهی» است. در این باره می خوانیم: «وُ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَّلَ مَهْجَتَهُ فِیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ و نصیحت امت را با مهربانی و عطوفت انجام داد و خون پاکش را در راه تو به خاک ریخت، تا بندگان را از نادانی و سرگردانی برآمده از گمراهی نجات دهد.»

بر اساس این فراز از زیارت اربعین، موضوع رهانیدن بندگان از گمراهی و نادانی، به اندازه ای اهمیت دارد که سالار شهیدان علیه السلام راضی شد جان خویش را فدا و از شهادت و کشته شدن در راه خدا استقبال کند.

یکی از فلسفه های وجودی امام معصوم علیه السلام، هدایت انسان ها و رهانیدن آنها از جهل و گمراهی است. داود جصاص می گوید از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر این آیه شریفه که می فرماید: «وَ عَلَامَاتٍ وَ بِاللَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ؛ و علاماتی است و هم اینکه ایشان به وسیله ستاره هدایت می شوند»: (۱۷) شنیدم که فرمود: مقصود از ستاره، رسول خداست و منظور از علامات و نشانه ها ما اهل بیت هستیم. (۱۸)

«در واقع، هر امتی در هر زمان و مکانی که از فیضی مادی یا معنوی بهره مند می شود، از برکت وجودی ائمه اطهار علیهم السلام است. سرش آن است که آن پیشوایان نور، مجاری هر گونه فیض تکوینی و تشریحی خدا هستند و به واسطه آنها ارتباط میان عالم هستی و خداوند برقرار می گردد و در این باره فرقی نیست که آن فیض به عالم فرشتگان برسد یا به عالم انسان ها، یا حیوانات و نباتات و جمادات». (۱۹)

امام باقر علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله دروازه الهی است که از غیر آن نمی توان وارد شد و راه روشنی است که هر کس آن را طی کند، به خدا می رسد. علی علیه السلام نیز چنین است و یکایک امامان نیز همین گونه هستند. خداوند آنان را ارکان زمین قرار داد تا اهلش را مضطرب نگرداند و عمودهای اسلام و نگهبانان راه های هدایت گردانید، به گونه ای که کسی هدایت نمی شود، مگر به هدایت آنها و کسی گمراه نمی گردد، مگر به کوتاهی در حق آنها». (۲۰)

امام رضا علیه السلام درباره جایگاه امام در هدایت گری و رهانیدن آدم ها از نادانی و گمراهی، وجود او را به ماه و ستاره مانند کرده که در شب های ظلمانی، مایه هدایت انسان ها و سبب رهانیدن آنان از تباهی و گمراهی است: «امام، ماه درخشنده و چراغ پرتوافکن و روشنایی تابنده و ستاره راهنما در ناپیدایی شب های ظلمانی و راهنمای هدایت و نجات بخش از تباهی است. امام، شعله فروزنده بر تپه و گرمی ده بر سرمازده و راهنمای در مهلکه هاست». (۲۱)

## ۷. بازتاب تولی و تبری در زیارت اربعین

تولی در فرهنگ اسلام، عبارت از پذیرش حکومت، سرپرستی و دوستی خدا و پیامبر و کسانی است که از جانب آنها تعیین شدند و پیوند نزدیکی با افراد و گروه هایی دارند که محبوب خدا هستند. به بیان دیگر، تولی یعنی به هم پیوستگی و اتصال شدید مؤمنانی که هدف واحدی را تعقیب می کنند، اما تبری یعنی دوری جستن از فرد و جریانی که جهت الهی ندارد و دشمن خدا محسوب می شود. به بیان دیگر، تبری یعنی جدا شدن از جبهه باطل. (۲۲)

در حقیقت، یکی از برجسته ترین ویژگی های ایمان، تولی و تبری است که حتی در نباتات و حیوانات به صورت جذب و دفع وجود دارد و در انسان ها به صورت حبّ و بغض یا نفرت و ارادت، جلوه می کند. هر حیوان یا درختی، دوست داشتنی ها و پسندیده های خود را جذب می کند و ناپسندها را از خود می راند و هر انسانی بر اساس بینش خویش، برخی چیزها را پسندیده می داند و به آن محبت می ورزد و برخی دیگر را ناپسند می شمارد و مورد بغض و غضب خویش قرار می دهد. تولی و تبری، همانند «ایمان به خدا» و «کفر به

طاغوت»، دو بال برای سلوک به سوی کمال و تعالی و ترقی است که هیچ یک به تنهایی کفایت از دیگری نمی کند و با یکی از آن دو نمی توان صعود کرد. (۲۳)

در فرازی از زیارت اربعین، موضوع تولی و تبری مطرح شده و زیارت کننده، خداوند را بر این موضوع گواه می گیرد که وی با دوستان امام حسین علیه السلام، دوست و با دشمنانش، دشمن است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ؛ پروردگارا! تو را گواه می گیرم که من با همه کسانی که با او (امام حسین) دوست هستند، دوست هستم، و با همه کسانی که با او دشمن هستند، دشمن هستم.»

مقام معظم رهبری می فرماید:

تولی و تبری، مسلمانان را به هم مرتبط می کند، به گونه ای که هیچ عاملی نتواند آنان را از یک دیگر جدا کند و یک انضباط حزبی برقرار می کند؛ زیرا جمعیتی که در اقلیت هستند، ممکن است فکرشان تحت الشعاع فکر اکثریت قرار گیرد و شخصیت آنها در لابه لای شخصیت های بقیه مردم نابود گردد. اسلام آنها را برای مبارزه با هضم طبیعی، به هم پیوند زده و از سایر جبهه ها جدا ساخته است. همچون عده ای کوهنورد، که باید از یک راه صعب العبور کوهستانی و پر پیچ و خم و گردنه بگذرند تا به قله کوه برسند. اینها به همدیگر می چسبند و کمرهایشان را به هم محکم می بندند که اگر یکی از آنها افتاد، بقیه او را نگه دارند. این حالت، نمایشگر حالت به هم پیوستگی و جوشیدگی شدید مسلمانان است که از آن در قرآن و حدیث، به «تولی و تبری» تعبیر می شود. (۲۴)

وقتی اهمیت تولی و تبری آشکار می شود که بدانیم محبت قلبی نسبت به کسی، گرایش قلبی به او را نیز در پی دارد و گرایش قلبی نیز به طور طبیعی، به همانندسازی با محبوب و الگوسازی او در اخلاق و رفتار می انجامد. در نتیجه، آنچه از محبوب جلوه می کند، در شخص مُحب نیز بروز می کند. بر این اساس، اسلام، سازوکار فرهنگی و اخلاقی مهمی به نام تولی و تبری را بنیان نهاد تا بر اثر آن، پیروانش جهت گیری دوستی های خویش را انسان های صالح و شایسته قرار دهند و در پی آن، بذر ویژگی های زیبا و رفتار شایسته را با تولی آنان در دل و جان خویش بکارند و از آن سو نیز موضوع تبری را بیان فرموده است تا به وسیله آن، پیروانش در برابر آسیب های اخلاقی و رفتاری برآمده از دوستی، با انسان های ناشایست و ستمگر، ایمن بمانند.

۱. عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۳۷
۲. اربعین در فرهنگ شیعه، ص ۱۵
۳. همان، ص ۷۵
۴. همان، ص ۷۱
۵. کامل الزیارات، ص ۳۲۵
۶. مریم/۷
۷. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۱
۸. ادب فنای مقربان، ص ۸۹، ۹۴، ۹۵ و ۱۰۰
۹. دیوان اشعار، ج ۲، ص ۹۶۵
۱۰. یادداشتهای استاد مطهری، ج ۶، ص ۸۹
۱۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۸۷
۱۲. همان
۱۳. همان، ج ۲، ص ۱۹۵
۱۴. همان، ص ۹۳
۱۵. بقره: ۱۳۸
۱۶. همان، ص ۸۹
۱۷. نحل: ۱۶
۱۸. همان، ص ۱۴۳
۱۹. ادب فنای مقربان، ص ۲۱۰
۲۰. همان، ص ۱۱۵





۲۱. تحف العقول، ص ۷۹۷

۲۲. تولی و تبری، ص ۱۷ و ۱۸

۲۳. ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۵۹

۲۴. تولی و تبری، ص ۲۰

منابع:

۱. ابن قولویه قمی. ۱۳۸۹ ابوالقاسم جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ترجمه: سید علی حسینی. قم: دارالفکر.
۲. احسائی، ابن ابی جمهور. ۱۴۰۵ هـ. ق. عوالی اللّثالی. قم. سیدالشهداء.
۳. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۱، ادب فنای مقربان. قم: اسراء.
۴. حرّانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه. ۱۳۸۳ تحف العقول. ترجمه: صادق حسن زاده. قم: آل علی.
۵. حسینی طهرانی، سید محمدحسن. ۱۴۲۷ هـ. ق. اربعین در فرهنگ شیعه. قم: عرش اندیشه.
۶. صائب تبریزی. ۱۳۸۷، دیوان اشعار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۸۵ اصول کافی. ترجمه و شرح: محمدباقر کمره ای. تهران: اسوه.
۸. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ هـ. ق. بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۵، یادداشت های استاد مطهری. تهران، صدرا.
۱۰. وفا، جعفری. ۱۳۸۲، تولّی و تبرّی، تهران: اداره آموزش های عقیدتی سیاسی - نمایندگی ولی فقیه در سپاه.